

# تأثیر زبان فارسی در زبان کشمیری

پرفسور محمد صدیق نیازمند

رئیس بخش فارسی

دانشگاه کشمیر

کشمیر در میان کوه های بلند همالیاد شمال هند قرار میگیرد. زبانی که در اینجا میان اکثر مردم رایج است و به آن تکلم می کنند کشمیری نامیده می شود. ریشه های این زبان را میتوان در زبان دردی - منسوب به در دستان که خود یکی از شاخه های هندو ایرانی و هندو آریایی میباشد و بنام شنا موسوم است دریافت نمود. باین مناسبت زبان کشمیری از ویژگیهای زبانهای هندو ایرانی و هندو آریایی برخوردار است. مورخان بر آن هستند که سده هزار سال پیش از میلاد مسیح گروهی از مردم آریا به دره های کشمیر وارد شدند و در آنجا متمکن شده سکنه اختیار نمودند. زبانی که آنها به آن تکلم می کردند نزدیک بود به زبانهای هندو ایرانی - کشمیر چون تاقرن های متمادی زیر فرمان حکمرانان هندو قرار گرفته است و زبان رسمی آنان زبان سانکریت بوده است. لذا زبان کشمیری تحت تأثیر آن قرار گرفت و بسیاری از واژه های سانکریت به

آن زبان وارد شد و این عمل تا دیر باز دوام گرفت. در نتیجه زبان کشمیری از ذخیره واژه های سانسکریت بمایه ترومبهره ورگردید.

اما آثار نفوذ زبان فارسی را میتوان در زبان کشمیری قبل از شیوع اسلام در آن منطقه پیدا کرد؛ زیرا واژه هایی که تعداد آنها بسیار است قبل از اینکه اسلام بدست مبلغان ایرانی در آن خط شیوع پیدا کند، وارد زبان کشمیری شده بود. پس این امر ما را بر آن می دارد که تحقیق و تجسس جدی و دقیق در این زمینه بعمل آورده شود. بر ای بدست آوردن نتایج بارز لازم بنظری رسد که روابط فرهنگی میان کشمیر و ایران را مورد بحث و مطالعه قرار بدهیم.

کشمیر در زمان پادشاهان هندی بعنوان یکی از مراکز بزرگ دین بودایی بدرآمده بود. پادشاه اشوکا (۲۷۳ ق م - ۲۳۲ ق م) و کنشکا (۷۸ میلادی - ۱۲۰ میلادی) برای توسعه دارن دین بودایی سعی بلیغ نموده بودند. هر دو پادشاه ایلچیان و مبلغان بودایی را به سرزمین های دوردست مانند چین، سری لانکا، ایران، گندهارا (افغانستان کنونی) فرستاده بودند. در همان زمان بود که آمدن مردم ایران و کشمیر آغاز شده بود. سپس این روابط آهسته آهسته تداوم یافت. در نتیجه روابط کشمیر به ایران، زبان کشمیری تحت تأثیر و نفوذ زبان پهلوی قرار گرفت.

روابط میان ایران و کشمیر در زمان ساسانیان و حتی بر طبق روایات شاهنامه فردوسی در زمان پادشاهان اساطیری ایران (هماننشان، اشکانیان) برقرار بوده است. علی این روابط صرفاً منحصر به آمدن مردم و یا پایا پایا کالاهای بازرگانی بنوده است بلکه

پادشاهان با هم روابط زنانشوینی و خویشاوندی METRIMONIAL ALLIANCE را نیز داشته اند، چنانکه بهمن بن اسفندیار دختر پادشاه کشمیر بنام کنابون را بهزنی گرفته در عقد نکاح خود در آورده بود. مردم ایران بکشمیری رفته اند چنانکه وقتی بهرام

اول پادشاه یاسانی، مانی - نقاش معروف ایرانی را محکوم به اعدام کرده و راه فرار پیش گرفت و در کشمیر تحصن اختیار نمود و بعداً به چین رفت ع ۳ چنان بنظر می رسد که در زمان ساسانیان کالای ایران و کشمیر پایا پای می شد زیرا در زمان یزدگرد سوم - آخرین فرمانروای ساسانی، پارچه ها برای ارتش ایران از کشمیر وارد میشد ع ۴ علی رغم همه اینها در زمان ساسانیان دین زرتشتی بمرکز کشمیر رسیده بود چنانکه از خرابه های آتشکده زرتشتیان در موضع چترال در مرکز کشمیر معلوم میشود که دین زرتشتی قبل از اشاعت اسلام در آنجا شیوع پیدا کرده بود -

تدین محقق و دانشمند انگلیسی که قدیم ترین تاریخ کشمیر بنام "راج ترنگنی" را از سانکریت بزبان انگلیسی برگردانیده است، می نویسد که درود واژه های فارسی (پهلوی) بزبان سانکریت مانند "دویراگرا هشتن" و "گورگرا هشتن" گجور فای است نمایانگر این امر است که سانکریت تحت تأثیر فارسی قرار گرفته بود - ع ۵ زبان کشمیری در چنین اوضاع نمی تواند است از تأثیر و نفوذ زبان فارسی پهلوی کنار کشید - در آن زمان زبان کشمیری احتمالاً بسیاری از واژه های زبان پهلوی را پذیرفته است و این واژه ها حالا جزء زبان کشمیری محسوب میشوند و مورد استفاده است - چند نمونه آن عبارتند از :-

پهلوی	فارسی	کشمیری
ن ۱ و (ایوک)	یک	اکھ
س ۴ (بهفت)	بهفت	ست
و ۱۲ (شس)	ریه	شوش
(پوهر)	پسر/پور	پو تھر
س ۴۳ (خوتای)	خدای	خودای
و ۱۶ و (میان)	نیاز	نیاز (نذرونیاز)
والوا ۱۶ (کرگم)	زعفران	کنگ

ششتر	برف تراله	صدا (سیش)
بستر	بستره	(وسترک)
بانگ (دردی که استفاده میشود)	بانگ	وسا (وانگ)
بانگ مرغ و بانگ معنی اذان)		
زردن	زیایدن	کم (زیوش)
دوزخ	دوزخ	دوخ (دوخ)
بهشت	بهشت	سدر (وهشت)
رے (در پہلوی ابتدای واژه مائوئیری یعنی مورد ساخته شد در کشمیری آخر واژه یعنی رے گرفته شد)	مور	فازسی باستان و الوئیری پهلوی مور
مچھ	مگس	اوستا (مچھشی) (پهلوی مگس)
موج	مادر	فازسی باستان (واتا)
تھامبھ	ستون	پهلوی ستا مچھ
اپڑ	نادرست - دروغ	اوستا - اپازون
یزدان (یزدان پاک نیز رایج است)	یزد - یزدان	س (یزدان)
دنه (دنه ملر)	آزخش	س (وروزک)

مسلمانان ایرانی از اوائل سده ششم هجری قمری برای تبلیغات دینی به کشمیر آمدند و شد داشته اند و اما اسلام ظاهراً در سده هشتم هجری قمری در آنجا ترویج یافت - پادشاه محلی کشمیر بنام زینچن که دین بودایی داشت بدست سید شرف الدین معروف به بلبل شاه ۲۷ به دین اسلام گرایید و مسلمان شد - وی اسم خود را تغییر نمود و اسم خود سلطان صدر الدین گذاشت - وی اولین پادشاه محلی کشمیر میباشد - ده هزار تن از سر بازان

ارش وی نیز به پیروی از سلطان مسلمان شدند. مورخان می نویسند که این پیش آمد در سال  
۷۲۶ هجری قمری بوقوع پیوست. ۲۷۶

مبلغان ایرانی در کشمیر با مشکلات سانی روبرو بودند زیرا آنان به زبان کشمیری بیسج  
آشنایی نداشته اند، لذا نمی توانستند با آزادی مردم را به اسلام دعوت کنند. اولین کاری که  
آنان انجام دادند، این بود که در سراسر کشمیر مدرسه های علمی و دینی دایره کردند، چنانکه اکثر مدرسه  
های علمی و حوزه های دینی در همان زمان دایره گردید. یکی از مدرسه های مهم آن زمان که در شهر  
سریناگر پایتخت کشمیر تأسیس شد "عروة الوثقی" بود. این مدرسه را جمال الدین محدث  
تأسیس نموده بود. وی به همراه سید علی همدانی (م ۷۸۶ ه) وارد کشمیر شده بود. سید جمال  
الدین دانشمند بزرگ و عالم سرشناس زمان خود بود و در علوم فقه و تفسیر نبوغ داشت. اکثر  
عالمان و نویسندگان بعدی فارغ التحصیل همین حوزه علمی بودند. این مدرسه مدت ها بعنوان  
یکی از مراکز علمی خدمت شایسته انجام داده است. خرابه های مدرسه "عروة الوثقی" را میتوان  
در محله "آروت" (شکل تغییر یافته عروة الوثقی) در محله تاشون "به نزدیکی فتح کدل"  
ملاحظه نمود. بر طبق روایت مصنف واقعات کشمیر سید علی همدانی با هفت صد تن از سادات  
ایرانی بکشمیر ورود نمود و اکثر یاراننش عالم و فاضل بودند و در علوم متداول بوشیره در عربی  
و فارسی مهارت کامل داشته اند. گذشته از ترویج فرهنگ و معارف اسلامی مبلغان  
ایرانی سعی بلیغ نمودند تا زبان فارسی و عربی را ب مردم یاد بدهند. پادشاه محلی کشمیر که سلطان  
قطب الدین (۷۸۰ - ۷۹۱ ه) نام داشت و حامی و طرفدار ادبا، شعرا و فضلا بحساب  
می آمد، نیز در وسط شهر سریناگر یک مدرسه بنام "دارالعلوم" تأسیس نمود. این مدرسه  
بعده بعنوان یکی از مراکز بزرگ علمی و دینی شهرت یافت. سید علی همدانی هنگامیکه به ایران  
مراجعت نمود، اکثر یاراننش را ب تربیت مردم گماشت و آنان در بهایجا اقامت گزینند.  
چنانکه روشن است که اسلام در کشمیر بتوسط مبلغان ایرانی گسترش یافت.

زبان فارسی با مردم زمان با ترویج دین و معارف اسلامی رواج و رونق گرفت. در آن زمان  
 باین همه که در کشمیر مسلمان بودند و اما آنان از آئین و روش بندهان پیروی می نمودند  
 روش عبادت آنان آفات فوق العاده با عبادت مسلمانان داشت زیرا مسلمانان آن زمان  
 بعد از ادای نماز صبح در معبد هائی بنهوان نیز حضور داشته اند و با دف و نوا و آلات موسیقی  
 در آنجا مشغول عبادت میشدند زیرا قبلاً بان خود گرفته بودند سید علی همدانی وقتی که از روش  
 و نحو اینچنین عبادت مسلمانان کشمیر آگاه شد مانع آمد و مسلمانان را تهدید کرد تا از اینچنین  
 عبادت خود دری کنند تا اینکه مسلمانان کشمیر ازین روش کافران اجتناب کنند سید علی همدانی  
 مسلمانان کشمیر کتابی بنام "اوراد فتحیه" نوشت و مسلمانان کشمیر را اجازه داد تا آن کتاب را  
 بعد از ادای نماز فجر در مساجد با آواز بلند قرأت کنند. چنانچه کتاب مذکور بیش از شش  
 صد سال است که در سرس کشمیر بعد از ادای نماز فجر در مساجد با آواز بلند (بالجهر) خوانده  
 میشود. باید متذکر شویم که این رسم اعم از ایران در هیچ جای دنیای اسلام بجز کشمیر  
 رایج نیست. تعجب در اینجا است که تمام مردم کشمیر چه بی سواد و چه با سواد کتاب مذکور  
 را از بر دارند و هر روز در مساجد بعد از نماز فجر با آواز بلند از روی حافظه میخوانند.

سید علی همدانی برای ادای نماز پنجگانه صفتی در محله علماء الدین پوره در وسط  
 شهر سریناگر بنا نهاد و بعد از زمان سلطان سکندر (۷۹۱ - ۸۱۶ هـ ق) توسط پسر  
 سید علی که سید محمد نام داشت در آنجا خانقاههای رفیع و بزرگ تأسیس شد و این خانقاه  
 بنام خانقاه معلی معروف است. این خانقاه برای گشایش و توسعه فرهنگ و ادب  
 و معارف اسلامی نقش مهمی داشته است. پادشاه کشمیر سلطان قطب الدین شخصاً با اعضا  
 هم دولت در آنجا حاضر میشد و در نماز پنجگانه شرکت می جست. وی نسبت به سید علی  
 همدانی و یارانش احترام فوق العاده ای قائل بوده است. ۲۹۷  
 یاران سید علی نیزه ترویج فرهنگ و ادب فارسی نقش فعال داشته اند زیرا

آنان یک محیط بسیار سازگار و علم پروری را در کشمیر برای گسترش فرهنگ و معارف اسلامی  
 و زبان فارسی فراهم ساختند. کاوشهای این همه مبلغان ایرانی تا آن زمان که مردم محلی  
 در فراگرفتن زبان فارسی اشتغال نمی داشتند، بی حاصل و بی ثمره می ماند. آنان برای  
 گسترش دین و زبان فارسی بر خطوط متادیک METHODIC بر نامه ریزی نمودند. در  
 نتیجه آن عموم مردم برای فراگرفتن این زبان میل و رغبت نشان دادند و در کمتر زمانی بود که  
 زبان فارسی ریشه های خود را در آن سرزمین باستواری دوآیند و موجب شد که ریشه های  
 زبان سانسکریت را از دربار سلاطین کشمیر بدر آورد. در مدت بسیار کوتاه بود که شاعر  
 معروف بنام محمد امین منطقی ادیبی. ع ۳۱ مورخ نامدار مانند ملا احمد کشمیری مصنف و قایع  
 کشمیر. ع ۳۱ شخصی صاحب فضل و کمال مثل مولانا کبیر ع ۳۲ که بمنصب شیخ الاسلامی منسوب  
 گشت و حکیم و فیلسوف بنام مانند محمد بن احمد بن الیاس ع ۳۳ مصنف کتاب "کفایه منضوی"  
 در زمان سلطان زین العابدین (۸۲۳-۸۷۴ هـ ق) بوجود آمدند.

سلطان زین العابدین اولین پادشاه کشمیر می باشد که منصب ملک الشعرا را  
 در دربار خود دایر نمود و ملا احمد کشمیری اولین کسی است که باین منصب سرفراز گردید.  
 این نکته دارای اهمیت فراوان است که در زمان همان سلطان بود که زبان فارسی بعنوان  
 زبان رسمی شناخته شد و این زبان جای زبان سانسکریت را گرفته زبان درباری قرار  
 گرفت.

سلطان زین العابدین بنیانگذار سازمان "دارالترجمه" نیز بوده است. کتب مهم  
 مذهبی هندوان مانند "مهبارتا" و "رامایانا" حکم همین پادشاه اولین بار از سانسکریت بزبان  
 فارسی ترجمه شد. کتاب معروف سانسکریت "کتھاسرت ساگر" بدستور همان سلطان  
 بدست ملا احمد کشمیری بفارسی برگردانده شد و اسم آن کتاب را "بحر الاسرار" گذاشتند.  
 آموزش و پرورش در کشمیر مجانی (رایگان) قرار گرفت. برای فراگرفتن زبان

فلسفی بورس تحصیلی به دانشجویمان پرداخت میشود. دانشجویمان برای دانش افزایی حقوق در حقوق روبه مدرسه با آوردند. باین منوال نهال زبان فارسی در سرزمین کشمیر کشته شد و به آبیاری سلاطین محلی رندیار پایه و بنیان آن چنان استحکام پذیرفت که دست نطلول روزگار تا قرن های بعدی نتوانست ریشه های آنرا بلرزه در آورد. کشمیر واقعا به "ایران صغیر" مبدل گردید.

در طول مدت ششش قرن اخیر زبان فارسی در کشمیر بعنوان زبان رسمی رایج بوده است در این مدت کداز واژه های گوناگون و ترکیب متنوع فارسی به زبان کشمیری وارد شده است از اختلاط و امتزاج واژه های فارسی بکشمیری در واقع دامنه زبان کشمیری گشایش یافته است. اگر بدقت زبان کشمیری را مورد بررسی قرار بدیم، خواهیم دید که تقریباً سی در صد کلمات و امثال و حکم یا تراکیب فارسی وارد این زبان شده است. این واژه ها یا امثال و حکم را حتی مردم عامی و بی سواد نیز در روزمره خود بکار می برند.

اثر نفوذ فارسی بزبان کشمیری بصورت گسترده بی صورت گرفته است. اول و مهمتر از همه آنست که یک دسته واژه های فارسی بعلت امتزاج و اختلاط مردم از فارسی بزبان کشمیری رواج پیدا کرد. در اینصورت ناگزیر است تصور شود که زبان کشمیری شاید معادل آن واژگان نداشته است و یا اگر فی المثل داشته است شاید ثقیل بوده و مورد استفاده قرار نگرفته است. دوم از نظر ساختمان جمله یا ترکیبات نیز زبان کشمیری تحت تأثیر فارسی قرار گرفته است. سوم اینکه واژه هایی که در باره اسلام و یا قواعد و ضوابط آن در ایران رایج بوده، بزبان کشمیری در آمده است. این واژه ها لازم نیست که از نظر ریشه عربی باشد منتهی چون توسط مبلغان ایرانی بکشمیر رسیده



و مردم در آنجا اینچنین واژه‌ها را پذیرفته و حفظ نموده اند مانند واژه‌های زیر در بارهٔ نماز که فارسی سره هستند:

## واژه‌ها در مورد نماز

نماز صبح، نماز پیشین، نماز دگر، نماز شام، نماز خفتن، نماز جمعه، نماز چاشت (این نماز بعد از طلوع آفتاب تا ساعت تقریباً ده صبح ادا میشود) و غیر آن - در حالیکه نماز فجر، ظهر، عصر مغرب و عشا گفتن معمول نیست. هیچکس نماز را صلوات و روزه را صوم نمی‌گوید. واژه‌های دیگر که در این باره در کشمیر رواج دارند بدینقرار است:

سبده گاه، جای نماز (قالیچه یا پارچه‌ی که روی آن نماز خوانند) پروردگار - یزدان - یزدان پاک - درگاه، آستانه، غلام گردش (دالان دور تا دور حرم سران مانند حرم امام رضا) حور، ختمی کردن (تلوات قرآن) کسی که نماز خواند آنرا نمازی و آنکس که فقط در ماه صیام نماز خواند آنرا «رمضان نمازی» می‌گویند.

## واژه‌ها در بارهٔ مراسم و جشن

بعضی از واژه‌های دیگر که راجع به مراسم و جشن‌های ملی مسلمانان مورد استفاده است بدینقرار است:

شب قدر، شب برات، عید میلاد (النبی) عید غدیر، عید نوروز، عاشورا، مجلس عزاء، چهلم -

## واژه‌های عربی داخل زبان کشمیری بتوسط مبلغان

یک دسته واژه‌های عربی که در کشمیری رواج پیدا کرده است مستقیماً بتوسط مبلغان

ایرانی داخل زبان کشمیری شده است مانند:

حرم 'طواف' 'حجر الاسود' 'زمزم' 'محراب' 'منبر' و 'عظا' 'تبلیغ' 'مقتدی' 'امام' 'مولانا' 'جنازه' و ....

## واژه‌ها در مورد تصوف و عرفان مردم کشمیری

واژه‌هایی که بتوسط صوفیان و اهل عرفان بزیان کشمیری رواج پیدا کرده است

عبارتند از:

عباد' زاہد' پیر' مرید' پیر کامل' مرشد کامل' مرشد' درویش' خدا دوست'  
پرمیزگار' شیخ' فنا' فنا فی الشیخ' فنا فی الرسول' بقا' انان کامل' معرفت' معرفت حق'  
شراب' شراب معرفت' توبه' استغفار' تسلیم' رضا' توکل' ذکر' تسبیح' سنگر' خانقاه' زاویہ'  
چله (به دو معنی) چله یعنی عبادت چهل روزه و چهل روز سرمای سرسخت) اعکاف' قلندر'  
ملنگ' تصفیہ نفس' تصفیہ قلب و ....

## نعت‌های فارسی رایج در کشمیر

مردم کشمیر نعت‌های فارسی را بسیار دوست دارند. پس از ادای نماز صبح و اوراد فتمیه مردم به نعت خوانی می‌پردازند و معمولاً نعت‌های فارسی می‌خوانند. نعت‌های سعدی و جامی را مردم از بردارند و از روی حافظه خود هر روز در مساجد با آواز بلند می‌خوانند و این رسم تنها در کشمیر رواج دارد. منقبت زیر از سعدی هر روز در مساجد کشمیر قرائت میشود:

هدایا به حق بتی فاطمه که بر قول ایمان کنم خاتمه  
اگر دعوتم رد کنی و قبول من و دست دایمان آل رسول ع ۳۵  
قطعه عربی زیر از سعدی که در توصیف پیامبر حضرت رسول میباشد زبانزد

مردم کشمیر است و در مساجد با آواز بلند خوانده میشود:

بَلِّغِ الْعِلْمَ بِمَالِهِ كَشَفِ الدُّجَى بِجَالِهِ

حَضْرَتِ جَمِيعِ خِصَالِهِ صَلَوَاتِ عَلَیْهِ وَآلِهِ عَزَّ

جَامِی - شاعر معروف، بعنوان نعت گو در کشمیر شهرتی بسزا بدست آورده

است. نعت درج زیر در اکثر موارد در مجالس توبه و استغفار و ختمات المعظمت خوانده میشود:

یا شفیع المذنبین بار گناه آورده ام	بر دردت این بار پشت دوتا آورده ام
من نمی گویم که بودم سالها در راه تو	مستم آن گمراه که اکنون روبراه آورده ام
عجز و مسکینی و بی خویشی و دلریشی بهم	این همه بر دعوی عشقت گواه آورده ام
چار چیز آورده ام شاها که در گنج تو نیست	نیستی و حاجت و غدر و گناه آورده ام
چشم رحمت بر کثاموی سفید من مبین	گرچه از شرمندگی روی سیاه آورده ام <sup>۳۸۶</sup>

بهانطور که ابیات و نعتهای متذکره فوق در کشمیر مقبول طباع اهل کشمیر واقع شده است. بیت درج زیر برای ایجاد احساسات و محاطف بسیار مؤثر است. این بیت در آغاز مجلس وعظ و تبلیغ با جذبیه و شوق بالحن پُرسوز خوانده میشود و موجب بوجد آوردن اهل مجلس است:

خدایا! رحمت دریای عام است دزان یک قطره بی ما را تمام است<sup>۳۹۶</sup>

## امثال و حکم فارسی رایج در کشمیری

زبان فارسی از نظر امثال و حکم بسیار دامنه دار است. بسیاری از قولهای زرین زبان فارسی در زبانهای دیگر جهان رایج شده است. در طول مدت شش قرن اخیر تعدادی زیاد از امثال و حکم داخل زبان کشمیری شده است و حالاً کم کس از ریشه و مأخذ

های آنها آشنا هستند. گاهی گمان می رود که سرچشمه این امثال و حکم خود زبان کشمیری بوده و هیچ سرکاری بزبان فارسی نداشته. در واقع از کار برد این امثال و حکم فارسی سرمایه و اثره ها و ترکیبات زبان کشمیری پرمایه تر شده است. مادر اینجا بعنوان مثنی از خرداری بعضی از امثال و حکم که مورد استفاده مردم کشمیر است، را نقل می کنیم با این تذکره که مردم بدون اینکه معانی و مفاهم آنها را درک کنند، بزبان روزمره خود بکار میبرند:

آب به دهان آمدن! آب زیرکاه! حکم حاکم مرگ مفاجات! از کودکان خطا  
از بزرگان عطا! نمک حرامی (کردن) چاه کن راه چاه در پیش، کرده خویش آید پیش! یک  
انار صد بیمار! طفل شود خانه دار، خانه شود دیران! یکی دزد باشد یکی پرده دار! رویش  
ببین و حالش میسر! من آنم که من دانم! خمس کم جهان پاک! اول خویش بعد دوش  
ابلی گوید و احمق باور کند! چراغ در برابر آفتاب! دست از جهان کشیدن! عطسه کسی  
بودن! مارگزیده از ریمان میترسد! سگ نهد برادر شغال! درد دندان اخراج دندان! مار خفته  
کار امروز بفرود نگذار! هر جا گنج هست مار است! لیلی را بچشم مجنون باید دید! تیر از کمان  
رفت باز گردد و آن دفتر را گاو خورد. و ...

## ترکیبات فارسی در کشمیری

بعضی از ترکیبات فارسی که مردم در روزمره خود بکار می برند بسیار زیاد است -  
برای نمونه چند ترکیبات را در اینجا نقل می کنیم:

الی الحساب، حسب الحکم، شیر مادر، سنگدل، خون ناحق، مرد ظالم (بیزید) مانند فولاد  
(سخت و استوار) مانند ابریشم (نرم) مانند بادام (چشم) رخسار مانند گل (زیبا) مانند شتر  
(بی ادب) مثل آئینه (مصفا) ع

## واژه‌ها پیرامون عقد نکاح

واژه‌ها و ترکیبات فارسی که درباره عقد نکاح و مراسم آن کجشمیری در آمده است، زیاد است. بعضی از واژه‌ها و ترکیبات پیرامون عقد نکاح مندرج بذیل است:

حنا بندی، نکاح خوانی، مسند نشینی، همراه شاه (عروسی) استقبال شاه، ولیمه، مهر و ...

## نمونه دعوت نامه فارسی

دعوت نامه را بزبان کشمیری "رقعه" میگویند که کلمه ایست عربی و بتوسط مبلغان ایرانی بداجار سیده است. بیت یا بیت و پنج سال میگذرد که رقعه با بزبان فارسی نوشته میشود و حالاجای آنرا انگلیسی و کشمیری گرفته است. بهر حال متن یکی از دعوت نامه فارسی مندرج بذیل است:

"جناب محترم .....

السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ

بتقریب کار خیر نور چشمی / دختر نیک اختر ..... بزم دعوت اجباب منعقد میگردد. باین مناسبت مکلف خدمت مستیم که مطابق ..... بتاریخ ..... برفد ..... بوقت ..... تشریف آورده حاضرین مجلس را مسرور و نیاز آگین و میزبان را مشکور فرمایید.

گر قبول افتد زهی عز و شرف

متمنی شرکت

الداعی .....

## نمونه نکاح نامه فارسی رایج در کشمیر

تا چند سال پیش سند نکاح یعنی نکاح نامه بارانیز در کشمیر بفراسی مینوشتند چون انگلیسی جای فارسی را گرفته است، نکاح نامه بارانیز بزبان انگلیسی و کشمیری ترجمه شده است. متن نکاح نامه فارسی که رایج بوده مندرج بذیل است:

"این ذکر است مسنون و عقد است میمون در بیان آنکه درین زمان سعادت نشان میمنت اقتران در مجلس عقد نکاح و کالته حاضر آمد ..... از قبیل ..... باخبر مخبرین احدیها ..... و ثانیهها ..... بعد اثبات الوکالت بخاست برای موکل خود بزوجیت و نکاح شرعی نفس نفیسه عفت خود ..... بنت بالف ..... ساکنه ..... بمبادله مهرین المشرد عین المعجل منها مبلغ ..... و الموکل مفاعف آن مبلغ ..... و تھان مسادی قیمت ..... عدد اشرفی ..... که آن نیز بر سبیل تعجیل و متعارف قبیله محظوبه است. و از قبیل محظوبه مسطره وکیل شرعی است ..... بشهادت شاهرین احدیها ..... و ثانیهها ..... بعد ثبوت الوکاله نفس موکله خود بامر باو از منہا بزنی و نکاح شرعی داد، مرناک مذکور را در بدل ما ذکر فی الصدور وکیل ناگ مذکور برای موکل خود پذیرفت و قبول نمود و ایجاب و قبول شرعی بین العاقدین واقع شد و عقد نکاح بینہا منعقد گشت، علی سبیل الشهرة و الاعلان وکیل منکوحه مذکور بامر باو از منہا بمجمله مهرین مبلغ ..... از ذمه ناگ مذکور خط کرد و اسقاط نمود، محطد اسقاط صحیح شرعی تتمه بر ذمه ناگ مذکورین واجب و لازم ایفاست ..... و اقرار کرد ..... تھان مرقومه بالا و معرض وصول است۔

المرقومه فی تاریخ  
 وکیل ناگ - شاهر وکیل ناگ ۱، شاهر وکیل ناگ ۲، وکیل منکوحه، شاهر وکیل منکوحه ۱، شاهر وکیل منکوحه ۲، شاهر، خطیب۔

حقیقت امر این است که زبان فارسی برای گسترش زبانهای هندویشیره زبان کشمیری  
 ذخیره کلمات فراهم نموده است. علاوه بر آن زبان فارسی برای ابراز عواطف و انگیزه های  
 درونی ادب و شعرا قالبهای گوناگون شعر مانند رباعی، غزل، قصیده، مثنوی، شهر آشوب و  
 انواع نثر مانند تذکره و تاریخ نویسی، تفسیر، حکمت، فقه، نجوم، اخلاق و غیر آن مهیا ساخته  
 است. سخنرایان کشمیر در قالبهای و مزلوهر ابراز احساسات و عواطف نموده اند. در طی شش  
 قرن اخیر مثنویات مانند شاهنامه کشمیر، قصه گل بکاولی، پچای نامه، ناپیرسان نامه، ریشی نامه  
 و مثنویات دیگر بزبان کشمیری نوشته شد. باید یاد آور شویم که شاعران و نویسندگان  
 کشمیر در ترویج و گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و ادب فارسی سهم بزرگی را داشته  
 اند و آثار بسیار مهم فارسی را در زمینه شعر و ادب فارسی از خود باقی گذاشته اند. باین  
 نحو زبان فارسی وسیله ای فراهم نموده تا فرهنگ و تمدن کشمیر در سرزمینهای مجاور و دور  
 دست معرفی شود.

فراگیری و تاثیر پذیری کشمیر از تمدن بزرگ ایران در طول مدت شش قرن اخیر  
 بصورت گسترده صورت گرفته است و آثار هنری و معماری از قبیل کاخها، قلعه ها، مساجد و  
 حمامها همه تحت تاثیر صنعت معماری ایران قرار گرفته است. چنانکه تاریخ بنای مساجد  
 خانقاه ها و سازمان های دولتی اکثر کتیبه های بناهای قدیم به فارسی روی سنگی نوشته میشود.  
 بعضی از تاریخ بناهای مهم کشمیر در اینجا نقل میشود:

## کتیبه های فارسی

مسجد جامع سریناگر که اولین بار در سال ۸۰۱ هجری بنا شد در زمان جهانگیر بن اکبر

شاه گورکانی حریق شد. حکم آن پادشاه از سر نو بنا شد. کتیبه ای که روی صلب  
 جنوبی مسجد جامع بنون که بنون است روی سنگ سرد منقش میباشد بدینقرار است  
 نخستین مسجد جامع زرتشت اسکندر ثانی      عملت یافت و نگه سوخت از تقدیر سگانی  
 دیگر پادشاه حسن شاه آنگه بود از نسل پیک او      بشد بنی این مسجد از توفیق اربانی  
 و لیکن از دو بهانه بنی استون که استانی ستش      در این بهم آمد مگر شد راست تادانی  
 ز بجزرت نهی و نه بود تادوه محمد شاه      که این بجزت سر شده زینت ازین مسلمانانی  
 بتدریج هزار دست و نه از بجزرت سید      بدو عهد روضه سوخته ده نوبت ثانی  
 ملک حیدر رئیس الملک ده عهد چهارگیری      نهاد از نو بنایش باز عهد قرابانی  
 چون تدریج بنایش جنت گفتا توفیقی      نهاد از نو اساسش بازگاه عهد قرابانی

## دیرناگ

چشمه ای است در شمال کشمیر فاصله ۶۰ کیلومتری از سریناگر. این چشمه معدوم پسند  
 جهانگیر پادشاه قرار گرفت. حکم دی در اینجا کاخی رفیع با محام تأسیس شد. کتیبه ای که امروزه  
 در دیرناگ "چشمه میخورد" مندرج بذیل است  
 "پادشاه بهفت کشور شهنشاه عدالت گستر ابوالمظفر نورالدین جهانگیر پادشاه این  
 اکبر پادشاه غازی بتدریج ساخته معلوم شد در سر چشمه فیض آیین نزول اجداد فرمودند  
 این عملت حکم آن حضرت صورت اتمام یافت

از جهانگیر شاه اکبر شاه  
 این بنا سر کشیده بر اندک  
 بانی مقل یافت تا به منقش  
 قصر آباد و چشمه دیرناگ



در نتیجه آمیزش مردم ایران با اهل کشمیر رسوم و عادات مردم عقیده های آنان و حتی جنبه های خرافات و توهمات نیز بصورت ایرانی در آمده است. دستور زبان کشمیری در بعضی موارد بر طبق ضوابط فارسی درست شده است. تشبیهات و استعارات و تلمیحات اسلامی و ایرانی بزبان کشمیری رایج شد. خط زبان کشمیری که "شاردا" نام دارد و مثل سانسکریت از چپ بر است نوشته میشود در سال ۱۹۵۵ میلادی عوض شد و خط عربی یا فارسی برای کشمیری معرفی شد. حروف علت، حروف انبساط، حروف تحیر، حروف تنکیر و حروف تحین از فارسی گرفته شد و زبان کشمیری رایج گردید.

## واژه های فارسی مربوط به اعضای بدن

واژه های فارسی که بزبان کشمیری رایج شده است، بدین قرار است:

چشم، شکم، دل، سر، پا، کله و پاچه، انگشت، معده، دندان، سینه، پستان، شان، تن، جسم، من (بمعنی نفس)، جان، پشت، کمر، گردن، دهان، لب، زبان، و.....

## خوردنیها و ضیافتها

مهمانی و پذیرایی یکی از جزء لازم زندگی بشمار میرود. مردم کشمیر مهمانان را مثل مردم پذیرایی میکنند خوردنیها و ضیافتهایی که بموقع پذیرایی به مهمانان صرف میشود، اسامی نیز از فارسی گرفته شده است. به اسامی خوردنیهای زیر توجه کنید:

کباب، آب گوشت، روغن جوش، کوفته (بصورت کفته متداول است) گشتاب (گوشت + آب)، قورمه، یخنی، قورمه آب، برنج آب، می، شراب، آب دوغ

(بصورت دوغنه آب متداول) حلوا، پلاو (پلو) 'کل چه' 'کلوچه' و.....

## کلمات رایج به میوه ها و خوار بارها

واژه پانی که پیرامون میوه ها و خوار بارها از فارسی به کشمیری رواج پیدا کرده عبارتند از:  
گیلاس، بادام، شہتوت، امبہ، سیب، انار، منقہ، خر، بوزہ، تخم خر، بوزہ، ہندوانہ، و...

## واژه ہادر بارہ پوشش

بیزار، چادر، کپڑا، پوش، عمامہ، کساب، قراب، دستار، دستار شملہ دار، پیراہن،  
موزہ، جوراب، بیزار، پوشاک، برقع، پردہ، لباس، جامہ، دستانہ،  
قالین، نعلین، تازہ،

## واژه ہادر بارہ موسیقی و آلات موسیقی

موسیقی کشمیر نیز مانند جنبہ ہای دیگر تحت تاثیر و نفوذ ایرانی قرار گرفته است. بعلاوہ روابط  
صمیمانہ با مردم کشمیر نہ تنہا سرود ہای ایران در کشمیر رایج شد بلکہ آلات موسیقی نیز تغیر یافت  
و شکل ایرانی در گرفت. اسامی آلات موسیقی کہ در روزمرہ کشمیر رایج است بدین قرار است:  
چنگ، رباب، ستار (ستار)، سنور، تنبک (اصلش غالباً دُمبک است) 'طبل'  
نقارہ (این کلمہ بصورت نگارہ رایج است) 'سرنای' 'تنبور' (نی) 'ساز نواز' و  
'نی نواز' نیز میگویند، ساز مترادف موسیقی

## کلمات و ترکیبات فارسی رایج در بارہ عشق و سرمستی

بسیار از واژہ ہای دلنشین و ترکیبات جاذبہ فارسی در بارہ عشق و سرمستی بزبان

کشمیری رابع شده است؛ اینچنین کلمات و ترکیبات دربارهٔ محبت و توصیف محبوب بزرگان  
کشمیری در آه است - بعضی از واژه‌ها مانند ج بذیل است :

جان بانان 'معشوق' محبوب 'گل رخسار' گل اندام 'خوشتر و گلر و خوشش گفتار' غنچه‌بان  
نارستان 'زلف پیچان' ابرو دکان 'تیر غنچه' حسن پری 'صاحب جمال' نازنین 'گل بدن' خوشخوی  
خوشموی دلبر 'دلربا' می دساقی 'دلارام' دو مارسیه (زلف) 'دو زلف شهباز' گل و بلبل 'شمع و  
پردانه' باغ و بهار 'محمود و ایاز' زلف خمدار 'زرگس چشم' و.....

فی المثل اگر در اشعار کشمیری بوشیره اشعاری که مملو از رنگ تغزل باشد اینچنین  
ترکیبات و کلمات متذکره فوق در آن بکار نروند شعر بیجان و بی تأثیر خواهد ماند -

## واژه‌ها در بارهٔ کاری‌گران و هنرمندان

کلماتی که دربارهٔ هنرمندان و کارگران از فارسی بکشمیری رابع شده است بسیار است -  
مانند رنجابه نقل بعضی از آن می پردازیم -

کاسب 'هنر' 'هنرمند' کسب 'قالی بانی' 'سقه' 'خامساز' 'بخار' 'پیشوازی' 'سراج'  
'ه' 'آهنگر' 'مسگر' 'کندن گز' 'زرگر' 'نعلبند' 'بقال' 'نگ تراش' 'نقاش' 'فراش' 'مشکی' (کسی که در  
مشکیزه آب می کشد - سقه نیز می گویند) 'رازدان' 'جلد ساز' 'علل' 'فروش' 'بزاز' 'حکاک'  
خطایی ساز' 'شیشه ساز' یا 'شیشه گز' 'زرگزین' 'پنبه دوز' 'شال دوز' 'شان تراش' 'علاقه بند'  
کارگری' 'دسته' (بمعنی استادیکی از هنر یا مورد استفاده است) 'علاقه بند' بمعنی نخ و تله ابریشم  
فروش رابع است -

## واژه‌ها در بارهٔ وحوش و طیور و انسان

واژه بانی که راجع به وحوش و طیور رابع است 'مندرج بذیل است :



## اسامی گل‌های فارسی

کلماتی که دربارهٔ انواع گل در یگان بکشمیری مورد استفاده است، عبارتند از:  
 گل آفتاب، عشق پیچان، سنبل گل، گلاب (بمعنای گل)، یاسمن، زکس، گل ختایی،  
 لاله، گل شیردهان، و....

## کشمیر سیمبل زیبایی در ادبیات فارسی

کشمیر در ادبیات فارسی یک سیمبول زیبایی است. شاعران فارسی‌گوی گاه‌ب‌گاه سیه  
 چشمان را مورد توصیف قرار داده‌اند و گاه‌ب‌گاه بت کشمیر را ستوده‌اند. حتی شاعرانی هم هستند  
 که متمنی بوده‌اند که بجاک کشمیر برسند و از هوای خوب و مناظر فطری آن حظ ببرند، حافظ  
 گفته است:

بشعر حافظ شیراز می‌گویند و میرقصند سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی  
 کسی گفته است:

جواب داد که دیوانه شد دل تو ز عشق  
 پیام دادم نزدیک آن بت کشمیر  
 صائب تبریزی میگوید:

میکنم از سر برون صائب هوای خلد را  
 عرفی شیرازی راست:

گر مرغ کباب است که با بال و پیر آید  
 هر سوخته جانی که به کشمیر در آید  
 ظفر خان احسن تربتی (تربت حیدر) میگوید:

الهی تابور کشمیر آباد ز گلزار خراسانم مه یاد  
 بهر کس هر چه خوابی بی سخن ده مرا کشمیر و بلبل را چمن ده  
 اشعاری که سخنوران فارسی در توصیف کشمیر سروده اند، تعداد آنها بسیار است  
 و در این مقاله مختصر در باره آنها، تفصیل مجال گفت و شنود نیست.

## اثر و نفوذ زبان فارسی، کشمیری از نظر دستور زبان

زبان کشمیری از نظر دستور زبان تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته است و بعضی از  
 ویژگیهای دستوری بدین قرار است:

### مطابقت عدد با معدود

در زبان کشمیری عدد با معدود مطابقت میکند یعنی اگر عدد جمع باشد باید معدود نیز  
 جمع بیاورند. و اما در فارسی اگر عدد جمع باشد معدود عادتاً مفرد می آورند مانند دو کتاب،  
 پنج حواس. اگر عدد و معدود با ترکیب بزبان کشمیری داخل شود بر طبق قواعد دستور زبان فارسی  
 معدود آنجا مفرد می آورند مثلاً دو زلف و اما گاهی بیایق زبان عربی معدود را نیز جمع بسته  
 اند مثلاً هفت اختران، هفت الوان و گاهی به تقلید عربی عدد و معدود هر دو جمع می آورند مثلاً  
 میگویند ختمات المعطات.

### صفت مقدم بر موصوف

راجع به ترکیب صفت و موصوف در جمله، زبان کشمیری بزبان فارسی تفاوت  
 داشته است زیرا صفت بزبان کشمیری مقدم است بر موصوف. بعین نحو مضاف نیز  
 مقدم است بر مضاف، الیه مانند نیک مرد، نشاط باغ، شالمار باغ و غیر آن.

در این صورت حرف اضافه حذف میشود. ولی در بعضی جاها با ضوابط دستور زبان فارسی را در کشمیری رعایت میکنند چنانکه می گویند: چشمه شاهی زن بدکار خدای دو جهان و...

## کاربرد حروف تحسین، ندا، تحمیر و نفرین

برای بکار بردن حروف تحسین، حروف ندا، حروف تحمیر، حروف نفرین، حروف صوت و کلمات تصغیر زبان کشمیری گاهی بزبان فارسی پیروی میکند. برای حروف تحسین کلمات زیر بکشمیری رایج است:

آفرین، شاد باش، شاد باش، بارک اللہ، مرحبا، خوب، چه بهتر، جزاک اللہ. در زبان کشمیری بتقلید از زبان فارسی، برای حرف ندا گاهی در ابتدای کلمه "ای" اضافه میشود و گاهی در آخر کلمه "ا" اضافه میکنند مانند

ای خدا، ای رسول، خدایا! پروردگارا!

برای ساختن اسم تصغیر در آخر کلمات فارسی "چه" بکار می رود. در کشمیری نیز به پیروی از زبان فارسی در بعضی از کلمات چه اضافه میشود. در این ضمن کلمات زیر در کشمیر رواج دارند:

بیچ، دیگچه، طاچه

## صفت یی تروترین

برای صفت تفصیلی در پیروی از زبان فارسی در کشمیری "تر" و "ترین" استفاده میشود

مانند:

به، بهتر و بهترین، کم، کمتر و کمترین، کلان، کلانتر و کلانترین و...

## یای نسبت

در فارسی «ی» در آخر اسماء گذشته از معنای دیگر معنی نسبت میدهد و این روش در کشمیری نیز رواج دارد مثلاً ایران - ایرانی، افغان - افغانی، هندوستان - هندوستانی، منتهما با تلفظ خاص کشمیری باید در اینجا متذکر شویم که اهل کشمیر زبان خود را «کشمیری» یا «کاشتر» میگویند و اما مرد کشمیر را «کاشتر» و کشمیر را «کشیر» میخوانند.

## استهفام

برای استهفام کلمه «آیا» رواج دارد و برای جمله شرطی یا فعل شرطی «هرگاه» و «اگر» بکشمیری رواج دارد -

## کلمات برای سوگند

قسم یاد کردن و تعهد گذاشتن از روش و رسوم زرتشتی بشمار میرود و همانطور که در «نورچرخ» را معتبر داشتن نیز از رسوم زرتشتی است - بعلمت رواج اسلام بدست مبلغان ایرانی بعضی رسوم زرتشتی در فرهنگ کشمیر درآمده است مثلاً شمع را بدست خاموش میکنند یا می‌کشند یا تنفس کشتش عیب می‌دانند - نوروز که اصلاً رسم زرتشتی است در کشمیر آنرا اهل تشیع متبرک می‌دانند - به معنی قسم و سوگند مورد استفاده است مثلاً بجدا و گاهمی «قسم بجدا» نیز می‌گویند گاهمی «پاس» بمعنی بخاطر در کشمیری گفته میشود مانند «پاس خدا» گاهمی «پاس خاطر» هم میگویند -



## عناصر چارگانه

عناصر چارگانه نیز از مذهب زرتشتی بفارسی درآمده است و از فارسی بکشمیری رواج دارد.  
عناصر چارگانه یعنی آب و باد و خاک و نار در اصطلاح قدماء (عناصر اربعه) بشمار می‌رفت.

## پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک

نیز به مذهب زرتشت تعلق دارد و هنوز در کشمیر بعلت اینکده اسلام بتوسط مبلغان ایرانی رواج پیدا کرده مورد استفاده است.

## حروف تبنیه

حروف تبنیه که بکشمیری رایج است باین قرار است:  
خبردار، هوشیار، زینهار

## حروف وصل

حروف مندرج بذیل برای وصل دو جمله استفاده میکنند:  
'د' که، 'تا' که، 'پس'

## حروف علت

حروف علت درج زیر به کشمیری متداول است:  
لهذا، لذا، بنا بر آن، چونکه

## حروف نفرین

حروف نفرین که از فارسی بکشمیری در آمده است و رواج پیدا کرده است باین قرار است:

تف، لعنت، لائول، استغفر اللہ و ....

## حروف انبساط

در کشمیری برای انبساط از حروف زیر استفاده میشود:

ہاہا، ماش اللہ، سبحان اللہ و ....

## حروف تاسف

کلمات زیر برای تاسف رایج هستند:

ہائے، حیف، اف و ...

## حروف تعجب

برای ابراز تعجب کلمات مندرج بذیل مورد استفاده هستند:

تعجب، اللہ اکبر، افسوس، ہای تقدیر و ....

## حروف تاکید

برای تاکید حروف زیر در کشمیری دارند:

اصلاً، تاکیداً، زہنہار، مطلقاً، سرامر و ....

## پسوندها

واژه های فارسی که به پسوندهای مختلف در کشمیری رواج دارند بسیار است و مادر لینگا مجلاً بذکر بعضی از آن می پردازیم:

## پسوندها "گر"

کلمات زیر با پسوندها "گر" در کشمیری رایج است:  
مسگر، زرگر، رفوگر، کاریگر، کند، نگر، آهنگر،

## پسوندها "دار"

واژه های زیر با پسوندها "دار" در کشمیری رواج دارد:  
طایفه دار، تبردار، سرمایه دار، عزت دار، خریدار، پایدار، ضلعدار، صوبه دار، علمدار،

## پسوندها "کار و کار"

کلمات زیر در کشمیری رایج است:  
روزگار، کردگار، ستمکار، پر، میزگار، خدمتکار، نیکوکار، بدکار، گنهگار، ثواب کار و ...

## پسوندها "وار و ور"

در کلمات زیر متداول است:  
امیدوار، جسوار، هموار، طاقتور، تناور و ...

## پسوند زار

مرگزار (بمعنی قبرستان) لاله زار، سبز زار، بید زار، مرغزار (مرغ بمعنی سبزه)

## پسوند گیر

دست گیر (لقب عبدالقادر گیلانی) آتش گیر، عالم گیر، ....

## پسوند گاه

عید گاه، نایش گاه، پیر گاه

## پسوند وان - بان

دربان، نگهبان، تا نگه بان (یکه بان) باغبان عسکری یا باغبان

## پسوند شناس

قدر شناس، موقع شناس، خدا شناس، ....

## پسوند مند

غرض مند، آرزو مند، نیاز مند، درد مند، حاجت مند، ....

## پیشوند بی

کلمات فارسی که با پیشوند "بی" در کتبی روی روان دارند عبارتند از:

بے عقل، بے وقوف، بے ایمان، بے زار، بے آرام، بے دین، بے نیاز، بے فائده،  
بے ہوش، بے کس، بے چارہ، بے کار، بے روزگار، بے قدر، بے اختیار، بے ابرو، و....

### پیشوند "بد"

بد صورت، بد زریب، بد ذات، بد خصلت، بد زبان، بد اعتقاد، بد بو، بد بین،  
بد ظن، بد کردار، بد دعانت، و....

### پیشوند "خود"

خود غرض، خود پسند، خود دار، خود خواہ، خود بین، و....

### پیشوند "تا"

ناحق، ناخدا، ناپائیدار، نالائقی، ناعاقبت اندیش، ناواقف، نابالغ،  
از آئینہ در این مقالہ گذشت۔ چہنیں بدست می آید کہ زبان کشمیری در جہریان  
شش قرن اخیر در سلسلہ تکامل خود، رو بہ تحولات و دگر گونیہا نہادہ است و در این  
تحول واژہ ہای متعدد فارسی بکشمیر راہ یافت۔ در حقیقت این واژگان در روح و طبیعت  
زبان کشمیری متناسب آمد۔ امروز وقتیکہ ما برای نوشتن چیزی قلم بدست می گیریم،  
واژہ ہای فارسی خودی خود بسیار مامی آید و در بیان دقایق فکری و معنوی یا ظریف ہنری  
بچارہ و ناتوان نمی مانیم ناگفتہ ماند کہ با مرور زمان ہزار ہا واژہ ہای فارسی بزبان کشمیری  
راہ یافتہ است۔ درست است کہ زبان کشمیری برای ترویج و گسترش در مقابل  
زبان فارسی فرصتی بدست نیآورد تا بر سمیت شناختہ شود۔ و اما چیزی کہ اہل

ایران به فرہنگ و تمدن و زبان کشمیری ارایہ نموده ' بدون شک و تردید سرمایہ ایت  
بی بہا۔ اگر بالفرض واژه ہای فارسی از زبان کشمیری استخراج شوند، زبان کشمیری  
بی جان و بی مایہ نخواہد ماند۔